

خدا در این روزها کجا بود که در حق قرآن و خدا جفا کردند!؟

خدایا من عاصی و گنه کارم
حلاج پروان و سر بر دارم
ملا گر نداند طنز و شوخی
بداند زیر دم او چو خارم
شاعری وزن و بی ترازو

دزدی را نزد قاضی آورند که صاحب خانه یک ملا بود و در خانه نبود، این شخص مال و اموال ملا را که صاحب خانه بود، به غارت برده و هم چند جلد قرآن شریف با چند جلد حدیث را با خود برده است.

قاضی گفت اموالی را که دزدی کردی چون پیشه تو دزدی بود، بعد با شما در این قسمت سخن می زنم، حالا بگو او بی دین خدا ناترس، قرآن و حدیث را چرا دزدید، گفت قاضی صاحب بخدا به همان قرآن هائیکه دزدی کردیم، قسم است که من به رفیق خودگفتم خدا را بالای سر خود ببین، قرآن و حدیث را نبر، گفت خدا اینجا نیست. گفتم کجا است؟ گفت به مهمانی رفته. دزد گفت من پیش خود فکر کردم و ارث قرآن خدا است، صاحب خانه نیست و ما بنده خدا هستیم و ضرورت به پول داریم، جلد دو دالر اگر بفروشیم، ۶۰ دالر می شود و خود همین ملای صاحب خانه بارها در منبر گفته که خداوند لک بخش است، حق الله را می بخشد.

من از زبان خود صاحب خانه که ملا است شنیده ام که بارها گفته انسان اشرف المخلوقات است و آدم خلیفه خدا در روی زمین است. رفیق من هیچ وقت به من دروغ نگفته بود.

من که یک مسلمان هستم خدا به گفته رفیقم به مهمانی رفته بود، من که اشرف المخلوقات هستم و خلیفه خدا در روی زمین، من حق نداشتم که قرآن و حدیث را با خود ببرم و هم شفیع عیار و آقای محمود وثیق و محترم آغاسی که هرسه ملای مترقی و کنجکاو هستند، بارها گفته اند که من حدیث را قبول ندارم، پس ملا هم حدیث را کار نداشت.

تو مرا گفتی از خدا بترس، من حالا به تومی گویم از خدا تو قاضی بترس، به حق الله غرض نگیر، در قسمت حق العبد مرا نه مطابق شرع، بلکه مطابق قانون جزا، جزا بده.

من که خبر زیر را خواندم به هارون یوسفی طنز پرداز وطن ما تیلفون کردم، گفتم حمید جان انوری این خبر زیر را در سایت (استقلال- خپلواکی)، نوشته و در بالا نوشته، چو کفر از کعبه خیزد، کجا ماند مسلمانی.

او خنده کرد و گفت تو و خدایت قاضی موسی، مرا همه به صفت یک پرچمی بیخدا می شناسند، در حالیکه ما همه مرتد شدیم، باز به خدا روی آوردیم، برو نظر مرا نه پرسید و مرا با سگان اخوانی در یک جوال نیندازید.

گفتم یوسفی صاحب ترا به همان خدایی که دوباره از ترس ملتی که دین را وسیله تجارت ساخته اند، ابراز نظر بکنید. باز خنده کرد و گفت او قاضی ببیدین تو تا حال این ملت ابن الوقت افغانستان را نشناختی، برو از این حرفها بگذر اگر مردم بی خبر از خود افغانستان پوستین را چپه پوشیدند و سیاف فتوی مرتد شدن ترا داد، ترا با تمام دانش دینی ات حتی تنگ فروش لب سرک مارک مرتد و بی دینی می زند.

گفتم هارون جان یوسفی شما اگر خود را در ورق های قرآن بیچانید و مانند سلیمان لایق بگوید که من از پدر پدر مسلمان هستم، کس قبول نمی کند. خشت ایکه از قالب برآمد، دوباره داخل قالب نمی شود.

خنده کرد و گفت قاضی دنبال این حرفها نگرد، اسحق نگارگر یکی از رهبران شعله جاوید، مرتد شد و دنبال شعله رفت و باز مرتد شد، مسلمان و عارف گردید، اگر گپ تو قابل قبول باشد خشت ایکه از قالب برآمده، باز داخل قالب نمی شود، چطور اسحق نگارگر دوباره داخل قالب شد؟!

سپر دم به خدا، چند سخن می زنم، راستی ما را سالها مرتد گفتند، باز هم بگویند. یوسفی گفت مسلمانان در حق خدا سالها جفا کردند، در حالیکه خدا در هر جا است، آدرس خدا را در عربستان سعودی تعیین کردند و گفتند که خانه خدا بتخانه ابو طالب است، دیگر بیت المقدس قبله مسلمانان نیست، این کار را به خاطری می کنیم که جبرئیل پوسته رسان دین، سرگردان نشود و سالهاست که مردم به نام خانه خدا به عربستان سعودی می روند و می بینند که خدا در خانه خود به خاطر مسلمانان نشسته، چون ایام حج نیست شاید خدا خسته شده باشد و از این موقع استفاده کرده باشد و به مسافرت رفته باشد.

خلیفه خدا که دولت سعودی است به خاطر خوشی امریکا و در دام انداختن چند عرب آزادی خواه و بشردوست ضد دولت سعودی، به بهانه این و آن، به خاطر بدنام کردن اسلام و خوشنودی با داراش و زدن رقبای خود، اطمینان حاصل کرده که خدا از خانه خود برآمده، لذا نسخه های زیادی از قرآن کریم را در فاضلاب مسجد طائف انداخته اند. ببینید که خدا با دولت سعودی چه می کند. وقتی که خدا حافظ دین و قرآن باشد و عربستان سعودی تیکه دار دین، من و تو قاضی چکاره هستیم که گاه بیدانه باد کنیم و خود را در دهن مردم احق بیندازیم، برو شوله ای خود را بخور و پرده خود بکن، امور مملکت خویش خسروان دانند، مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان.

کفر اگراز کعبه نخیزد؛ از «طائف» خیزد...

آنانی که به نام اهانت به قرآن در افغانستان یا امریکا، این سو و آنسو چرانده شده و دهان شان در خیابان ها کف می کرد، حالا باید از سوراخ ها خارج شده و مقابل سفارت عربستان «مجرایی» بدهند!

پلیس عربستان توانست صدها جلد قرآن کریم را از فاضلاب های طائف خارج کند. به گزارش ایسنا، شفقنا بر اساس گزارش الاوسط نیوز نوشت: رسانه های گروهی سعودی و پایگاه های ارتباط جمعی نوشتند که دانش آموزی به نام «عبدالعزیزین حسین الاهدل»، که در مقطع متوسطه تحصیل می کند، در مسیر بازگشت از مدرسه متوجه وجود نسخه های زیادی از قرآن کریم شد که در فاضلاب مسجد انداخته شده اند و این نشان می داد که مسؤولین مسجد آنها را در فاضلاب انداخته اند.

بعد از حاضر شدن مسؤولین امنیتی و فراخواندن شرکت ویژه تخلیه چاه فاضلاب ها روشن شد که 500 جلد قرآن کریم در درون فاضلاب مسجد انداخته شده و برگه های برخی از آنها در آب پراکنده شده بود، بسیاری از جلد های قرآن کریم موقوفه بودند. با باز کردن سایر مجاری شبکه فاضلاب متصل به مسجد، تعداد دیگری از جلد های کوچک و بزرگ قرآن کریم یافت شد.

وجود این تعداد از قرآن کریم در شبکه فاضلاب ها در کشوری که محل ظهور اسلام محسوب می شود؛ امری باورنکردنی است، همان طور که دانش آموز با نگاه کردن به جلد های قرآن کریم نتوانست آنچه را که می بیند، باور کند.

گرفته شده از: گزارش نامه افغانستان